



نقش میانجی‌گر سازوکارهای دفاعی و احساس گناه در رابطه بین صفات شخصیت با تجارب تجزیه‌ای

The Mediating Role of Defense Mechanisms and Feeling of Guilt in the Relationship between Personality Traits and Dissociation Experiences

Roya Aftab

Hamed Bermas

Khadijeh Abolmaali Alhoseini

رویا آفتاب*

حامد برماس**

خدیجه ابوالمعالی الحسینی***

Abstract

The purpose of this study was to determine the mediating role of defense mechanisms and feeling of guilt in the relationship between personality traits with dissociation experiences. The research method was a descriptive-correlational type. The population of the study consisted of all citizens living in Karaj selected from recreational, cultural, and art centers using cluster sampling (241 females and 207 males: N=550). The measurement scales used in the study NEO Five-Factor (NEO), Defense Style-40 (DSQ-40), Guilt Inventory (GI), and Dissociative Experiences (DES). The structural equation modeling and Amos-24 software were used to analyze the data. The results of the present study showed the existence of an indirect coefficient path between neuroticism and dissociation experiences ($\beta=0.044$, $P<0.01$); openness and dissociation experiences ($\beta=0.040$, $P<0.01$); neuroticism and feeling of guilt ($\beta=0.72$, $P<0.05$); openness and feeling of guilt ($\beta=-0.081$, $P<0.05$), and maladaptive defense mechanisms and dissociation experiences ($\beta=0.068$, $P<0.01$). Clinicians and therapists are advised to target the defense mechanisms leading to excessive feelings of blame and guilt, and also dissociation experiences.

Key words: Defense Mechanisms, Dissociation Experiences, Feeling of Guilt, Neuroticism, Openness to Experience

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تعیین نقش میانجی‌گر سازوکارهای دفاعی و احساس گناه در رابطه بین صفات شخصیت و تجارب تجزیه‌ای بود. روش مطالعه توصیفی از نوع همبستگی و هدف کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان ساکن در شهر کرج بود که از میان مراکز تفریحی، فرهنگی و هنری به روش نمونه برداری خوشه‌ای در مرحله اول ۵ منطقه و در مرحله دوم ۱۰ مرکز و به‌صورت داوطلبانه ۵۵۰ نفر (۲۴۱ زن و ۲۰۷ مرد) انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های استاندارد پنج عاملی نئو (NEO): سازوکارهای دفاعی (DSQ-40)؛ احساس گناه (GI) و مقیاس تجارب تجزیه‌ای (DES) بود. جهت تحلیل داده‌ها از روش مدلیابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos-24 استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر، نشان داد ضرایب مسیر غیرمستقیم بین روان‌رنجورخویی با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0.044$ و $P<0.01$)، گشودگی به تجربه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0.040$ و $P<0.01$)، روان‌رنجورخویی با احساس گناه ($\beta=0.72$ و $P<0.05$)، گشودگی به تجربه با احساس گناه ($\beta=-0.081$ و $P<0.05$) و سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0.068$ و $P<0.01$) نشان داد. پیشنهاد می‌شود که آن دسته از سازوکارهای دفاعی را در افراد هدف درمان قرار می‌دهند که به هنگام اشتباهات و تخطی‌گری، موجب سرزنش‌گری و احساس گناه بیش‌ازحد و غیرمنطقی و تجارب تجزیه‌ای می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: سازوکارهای دفاعی، تجارب تجزیه‌ای، احساس گناه، روان‌رنجورخویی، گشودگی به تجربه

*نویسنده مسئول: دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

**استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

***دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

Email: royaaftab@yahoo.com

Received: 1 Mar 2020

Accepted: 28 Jun 2020

پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۸

دریافت: ۹۹/۱۲/۱۱

مقدمه

تجزیه^۱ را می‌توان به‌عنوان فرآیندی روان‌شناختی توصیف کرد که به‌واسطه آن شخصیت و کارکردهای معین روانی از جمله ادراک، هیجان، اندیشه و رفتار که معمولاً با یکدیگر یکپارچه هستند، در تلاش برای اجتناب از خاطرات آسیب‌زا و احساس گناه به‌شیوه‌ای دفاعی از هم می‌گسلند. گرچه که چنین گمان می‌رود که این کارکردها به‌طوری خودکار اغلب خارج از حوزه آگاهی هشیار یا بازیابی حافظه با یکدیگر یکپارچه عمل می‌کنند (فونتانا، ۲۰۱۸؛ کالاتی، بنساسی و کورت، ۲۰۱۷؛ کراتزر و همکاران، ۲۰۱۸). تجزیه را به‌صورت پیوستاری در نظر گرفته‌اند که به‌میزان متفاوتی از غرق شدن در یک کتاب یا فیلم تا تجارب تجزیه‌ای شدیدتر در کل جمعیت وجود دارد (لیسنکو و همکاران، ۲۰۱۸؛ سرانا- سویلانو، گونزالز- اوردی، کوربی- گران و والجو- پارچا، ۲۰۱۷). تجارب تجزیه‌ای^۲ در بسیاری از اختلال‌های روان‌پزشکی از جمله روان‌پریشی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلقی و اضطرابی رایج هستند (یونس‌دی‌لیون، اندرسین، کارستاف و الکلیت، ۲۰۱۸؛ لطفی‌نیا، سورگی، مرتنس و دانیالز، ۲۰۲۰). برخی از پژوهشگران چنین پیشنهاد کرده‌اند که تنش مداوم، موجب تجارب تجزیه‌ای در مقابله با تنش (شین، گلدستین و پیک، ۲۰۱۹) و آسیب‌پذیری شدید نسبت به وقایع تنش‌زا و مشکلات بین‌فردی می‌شود (تسچوک، استینرت و بیجسکو- بوریان، ۲۰۱۹) که ممکن است حتی رفتار خودکشی را در مواجهه با رویدادهای غیرقابل تحمل، درماندگی و ناامیدی تقویت کند (اورباخ، ۱۹۹۴) و این مسئله اهمیت و ضرورت پرداختن به تجارب تجزیه‌ای را برجسته می‌نماید.

صفات شخصیت^۳ ساختارهای مهمی هستند که در تبیین تجارب تجزیه‌ای در پاسخ به آسیب و تنش شدید نقش دارند، زیرا تعیین می‌کنند که افراد چگونه با وقایع تنش‌زا سازگار خواهند شد و چگونه بعد از این وقایع بهبود خواهند یافت (باب، سلوسووا، رابوچ و کوکلا، ۲۰۱۳؛ سوfer- دودک، ۲۰۱۷؛ کوپیل، ورابل و پوپ، ۲۰۰۲). ابعاد صفات پنج‌عاملی شخصیت^۴ عبارتند از: روان‌رنجورخویی^۵، برون‌گرایی^۶، گشودگی به تجربه^۷، توافق‌پذیری^۸ و وظیفه‌شناسی^۹ (پوریر، ۲۰۲۰). این ابعاد به‌عنوان سازمانی از نظام‌های پویا توصیف شده‌اند که معیاری برای سنجش رفتارهای افراد و سبک‌های تفکر آنها هستند. هریک از این پنج عامل گرایش‌های مجزایی هستند که در موقعیت‌های یکسان، افکار، احساسات و عکس‌العمل‌های متفاوتی را در افراد به‌وجود می‌آورند (سوت، جارنک و ویز، ۲۰۱۸). روان‌رنجورخویی، اساساً تمایل به تجربه مکرر و شدید هیجان‌های منفی (جانسون و شرم، ۲۰۲۰) برون‌گرایی تمایل به تجربه مکرر هیجان‌های مثبت، انرژی و

-
1. dissociation
 2. dissociation experiences
 3. personality traits
 4. five factor personality traits
 5. neuroticism
 6. extraversion
 7. openness
 8. agreeableness
 9. conscientiousness

پویایی و راحتی در برقراری روابط با دیگران هستند (زیگلر- هیل، وربل، سائولز و لمتن، ۲۰۱۹). گشودگی به تجربه، جهت‌گیری واقع‌بینانه به مسائل توصیف شده است. توافق‌پذیری با تمایل به داشتن روابط بین‌فردی هماهنگ، همکارانه و غیرمتعارض توصیف می‌شود و در نهایت، وظیفه‌شناسی با توان‌مندی «خود/ ایگو» و توانایی به تعویق انداختن رضایت فوری در جهت برنامه‌ریزی بلندمدت، تصمیم‌گیری‌های منطقی و تعهد و پایبندی به آن‌ها تعریف شده است (جوردی و پتوت، ۲۰۱۷). برخی پژوهش‌ها مانند (دی‌سیلوا و وارد، ۱۹۹۳؛ گروس- مارنات و جفس، ۲۰۰۲؛ کواپیل، ورابل و پوپ، ۲۰۰۲) نشان داده‌اند که صفت شخصیتی روان‌رنجورخویی، موجب تجارب تجزیه‌ای در پاسخ به تنش می‌شود. با این حال، یافته‌ها در مورد صفات دیگر در این زمینه پراکنده است. در پژوهش‌های (کواپیل، ورابل و پوپ، ۲۰۰۲؛ گروس- مارنات و جفس، ۲۰۰۲) علاوه بر روان‌رنجورخویی صفات گشودگی به تجربه، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی نیز با تجارب تجزیه‌ای مرتبط بودند.

براساس فرضیه تکاملی^۱ سازوکارهای دفاعی ایگو^۲ با مجموعه‌ای از صفات شخصیت مرتبط هستند و به عنوان سازوکارهای کارکردی زیربنایی و اساسی شخصیت در نظر گرفته شده‌اند (پلاچیک، ۱۹۹۷). سازوکارهای دفاعی ایگو کارکردهای ذهنی هستند که به طریقی بر واقعیت سرپوش می‌نهند یا به طرق دیگر، محتوای درون روانی و یا ادراک از واقعیت را تغییر می‌دهند (کرامر و پورسلی، ۲۰۱۶). دفاع‌ها برحسب نوع کارکردی که دارند، ممکن است بهنجار یا نابهنجار و کارآمد یا ناکارآمد باشند (نوحی و حسنی، ۱۳۹۶). برخی از پژوهشگران الگوی سلسله‌مراتبی از سازوکارهای دفاعی براساس میزان بلوغ یافتگی آن‌ها پیشنهاد کرده‌اند، به طوری که دفاع‌های پخته^۳ یا سازگارانه در یک طرف، پیوستار و دفاع‌های روان‌رنجور و ناپخته که دفاع‌هایی ناسازگارانه هستند در یک طرف دیگر، پیوستار قرار می‌گیرند (وایلان، ۱۹۹۴ و ۲۰۱۲). در این راستا؛ هیبرت، لانگوین و چارست (۲۰۲۰) تجزیه را سازوکار دفاعی در نظر گرفتند که در پی شکست تلاش‌های فرد برای تنظیم هیجانی در پاسخ به هیجان‌های درهم‌شکننده به دلیل منابع محدود درونی فرد برای مقابله رخ می‌دهد. اسکالابیرینی، موسی، اسپوزیتو، دامیانی و نورتن (۲۰۲۰) چنین پیشنهاد کردند که در پاسخ به تهدید و فعال‌سازی سیستم سمپاتیک^۴ ارگانیزم^۵ به سازوکارهای دفاعی اجتنابی^۶ و منفعلانه متوسل می‌شود که نتیجه آن تجارب تجزیه‌ای است.

دفاع از تکانه‌های غریزی^۷ که نوعی سابق یا تکانه درونی است که به صورت نیروی انگیزشی مداوم عمل می‌کند، مبتنی بر انگیزه است- یعنی، برای دفع احساس گناه و اضطراب. این سه انگیزه، اضطراب غریزی،

-
1. evolutionary hypothesis
 2. ego
 3. mature
 4. sympathetic system
 5. organism
 6. avoidance defense mechanisms
 7. instinctive impulses

اضطراب عینی، اضطراب فراخود یا احساس گناه، استفاده از سازوکارهای دفاعی برای محافظت از خود در برابر اختلال‌های روانی و محافظت از خود در برابر از دست دادن حرمت خود را موجب می‌شوند (کرامر و پورسلی، ۲۰۱۶). احساس گناه^۱ هیجان خودآگاهی است که پیرو عصیان‌های شخصی و با ارزیابی‌های منفی از رفتار (احساس بد بودن رفتار) برانگیخته می‌شود (توران و کوهن، ۲۰۱۶). در این راستا؛ لیچ، ایر و پدرسن (۲۰۰۶) پیشنهاد کردند خمشی که نسبت به خود ابراز می‌شود، در ماهیت شبیه احساس گناه است و همراه با احساس گناه یا در افرادی که مستعد احساس گناه هستند، رخ می‌دهد. همچنین همانند احساس گناه، این خشم با تأدیب نفس و تمایل به اصلاح موقعیت مرتبط است.

پوهالا، مک‌کلوسکی، بریکمن، فابر و کوکارو (۲۰۱۶) دریافتند درگیر شدن در سازوکارهای دفاعی ناپخته و بلوغ نایافته، پرخاشگری را منجر می‌شود که شکل ابتدایی‌تری از رفتارهای اجتماعی است و افرادی که به دفاع‌های ناپخته و روش‌های کنار آمدن ناسازگارانه حل تعارض یا نظم‌جویی هیجان متوسل می‌شوند که احساس گناه و ندامت بیشتری را تجربه می‌کنند. در این افراد نقص در نظم‌جویی هیجان منجر به اختلال در فرآیندهای پردازش شناختی لازم برای پاسخ‌دهی با متوسل شدن به سازوکار دفاعی پخته می‌شود. دوراهی (۲۰۱۰) در تبیین ارتباط بین تجارب تجزیه‌ای، سازوکارهای دفاعی و احساس گناه، تجزیه را سازوکار دفاعی در مقابله با درد روانی و قضاوت‌های منفی درونی نسبت به خود پیشنهاد کرده است. علاوه بر این (ایروین، ۱۹۹۸؛ روگنز و ترهون، ۲۰۱۳؛ فینی، زولنر و فوا، ۲۰۰۰؛ کالکاری، پورتر و راج، ۲۰۱۲) تجزیه را سازوکاری اجتنابی در مقابله با احساس گناه معرفی کرده‌اند.

یافته‌های پژوهشی نیز شواهدی فراهم آورده‌اند که نشان می‌دهند صفات شخصیت از جمله عوامل تعیین کننده رفتار و سازوکارهای دفاعی هستند. نتایج پژوهش زندگی، شهابی‌نژاد و برهان (۱۳۹۶) نشان داد صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی به صورت مثبت و وظیفه‌شناسی به صورت منفی، پیش‌بینی‌کننده استفاده از سازوکارهای دفاعی رشدنا یافته هستند. محمدلو، الهی و مروتی (۲۰۱۶) نشان دادند از بین ابعاد شخصیت برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی با سازوکارهای دفاعی پخته و روان‌رنجورخو رابطه مثبت؛ برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی با سازوکارهای روان‌رنجورخو رابطه مثبت و روان‌رنجورخویی با سازوکارهای پخته رابطه منفی و ناپخته رابطه مثبت دارند. در پژوهش کچویی، پارسا و سویزی (۱۳۹۳) که با هدف بررسی مقایسه‌ای سبک‌های دفاعی و صفات شخصیتی در افراد غیرافسرده و افسرده انجام شد، نتایج نشان داد که در عامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و توافق‌پذیری و همچنین سازوکارهای دفاعی ناپخته و روان‌رنجور بین دو گروه تفاوت معنادار وجود داشت.

طبق الگوی پنج عاملی شخصیت ویژگی‌های شخصیتی منجر به شکل‌گیری فرآیندهای خودتنظیمی شناختی، هیجانی و رفتاری می‌شود که تنش‌های کوچک و بزرگ را به پیامدهای منفی پیوند می‌دهند (ماتوس، ۲۰۲۰) و بدین ترتیب صفات شخصیت در شکل‌گیری احساس گناه در افراد نقش اساسی را ایفا

1. guilty feeling

می‌کنند (اردن و آکباگ، ۲۰۱۵). به نظر می‌رسد، صفات شخصیت به واسطه مقابله هیجانی که در پژوهش حاضر منظور سازوکارهای دفاعی است با احساس گناه در رابطه هستند. همچنان که نتایج پژوهش نادی، عزیزی و مسجدی (۱۳۹۸) نشان داد که ویژگی‌های وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری با احساس گناه رابطه معنادار و معکوس و برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی با احساس گناه رابطه معنادار و مستقیم داشتند.

با نگاهی بر آنچه گفته شد، با توجه به شیوع تجارب تجزیه‌ای حتی در جمعیت غیربالینی و همایندی^۱ آن با اختلال‌های روان‌پزشکی و روان‌شناختی و همچنین پیامدهای منفی که تجارب تجزیه‌ای به بار می‌آورد، لازم است تا برخی از عوامل خطر ساز برای تجارب تجزیه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. با نگاهی بر آنچه که مرور شد می‌توان گفت، سازوکارهای دفاعی که با هدف تنظیم هیجان به کار گرفته می‌شوند و به فرد کمک می‌کنند تا با احساس گناه خود کنار بیاید؛ زمانی که فرد از منابع و ظرفیت مقابله‌ای و مهارت‌های تنظیم هیجانی کافی برای پاسخ به تنش‌ها برخوردار نباشد، چنان‌چه در تظاهرات صفاتی نظیر روان‌رنجورخویی مشاهده می‌شود، تجارب تجزیه‌ای در نتیجه شکست در خودتنظیمی هیجانی و به واسطه مقابله هیجانی ناکارآمد با هیجان‌های منفی رخ می‌دهد. بنابراین، شاید بتوان مدلی مفهومی طراحی کرد که در آن صفات پنج‌عاملی شخصیت، احساس گناه و سازوکارهای دفاعی، تجارب تجزیه‌ای را پیش‌بینی می‌کنند؛ هدف پژوهش حاضر، آزمون فرضیه‌ها و مدل نظری زیر بود:

فرضیه اصلی:

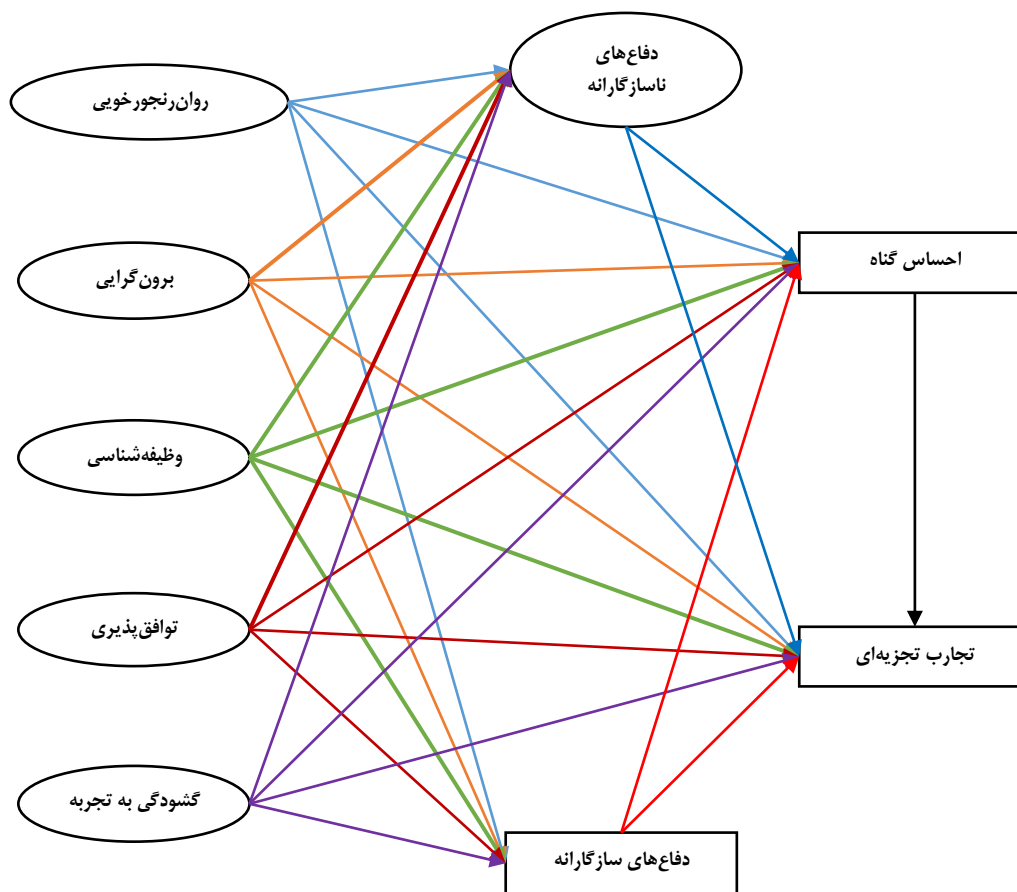
سازوکارهای دفاعی و احساس گناه در رابطه بین صفات شخصیت و تجارب تجزیه‌ای نقش میانجی‌گر دارند.

فرضیه‌های فرعی:

صفات شخصیت با تجارب تجزیه‌ای رابطه مستقیم دارند.

سازوکارهای دفاعی با تجارب تجزیه‌ای رابطه مستقیم دارند.

احساس گناه با تجارب تجزیه‌ای رابطه مستقیم دارد.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و هدف پژوهش کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شهروندان شهر کرج در زمستان سال ۱۳۹۷ است. علاوه بر این، با در نظر گرفتن تعداد ۲۰ شرکت‌کننده به ازای هر متغیر مشاهده‌پذیر (کلاین، ۲۰۱۶)، که در پژوهش حاضر ۲۷ متغیر محاسبه شد، حجم نمونه برای پژوهش حاضر ۵۴۰ نفر برآورد شد که با در نظر گرفتن احتمال ریزش ۵۵۰ نفر به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای از مراکز تفریحی، فرهنگی و هنری شهر کرج انتخاب شدند. به این صورت که در مرحله اول، با مراجعه به پایگاه شبکه جهانی شهرداری کرج^۱ از ۱۲ منطقه آن منطقه‌های ۱، ۵، ۷، ۸ و ۱۰ و در مرحله دوم از بین ۸۴ مرکز تفریحی و مرکز فرهنگی ۲ مرکز در هر منطقه به شکل تصادفی ساده انتخاب شد. از آن‌جا که

1. <https://karaj.ir/portal/home/>

نمی‌توان در روش‌هایی مانند همبستگی همکاری تمام آزمودنی‌هایی را که به‌وسیله نمونه‌برداری تصادفی انتخاب شده‌اند، جلب کرد و با توجه به رعایت موازین اخلاقی و قانونی پژوهش (دلاور، ۱۳۹۸)، قبل از اجرای پژوهش رضایت و موافقت آزمودنی‌ها جلب و به شیوه نمونه‌برداری داوطلبانه ۵۵ نفر از هر مرکز انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش، شامل سن بالاتر از ۱۸ سال، تحصیلات بالای دیپلم، اقامت در شهر کرج و معیارهای خروج از پژوهش شامل معلولیت‌های جسمانی و ابتلا به بیماری‌های مزمن، مصرف دارو به‌خاطر وضعیت جسمانی و روانی خود، بستری شدن در طول سال گذشته به‌خاطر وضعیت جسمانی و روانی خود، دریافت روان‌درمانی به‌طور هم‌زمان و در طول یک سال گذشته بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه پنج عاملی نئو^۱ (NEO) پرسشنامه پنج عاملی نئو توسط کاستا و مکرری در سال ۱۹۸۹ ابداع شد. این پرسشنامه خودگزارشی قلم و کاغذی شامل ۶۰ گویه است که پنج خرده‌مقیاس روان رنجورخویی؛ برون‌گرایی؛ گشودگی به تجربه؛ توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را در با مقیاس لیکرت رتبه‌ای پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم=۰؛ مخالفم=۱؛ نظری ندارم=۲؛ موافقم=۳؛ تا کاملاً موافقم=۴ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کاستا و مکرری (۱۹۹۲) برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ و همبستگی این ابزار را با پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا^۲ به‌عنوان شاخصی از روایی مناسب گزارش کردند. گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی (۱۳۸۰) در هنجاریابی این ابزار ضرایب همبستگی پنج خرده‌مقیاس را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷، ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۵۶ و همبستگی بین دو نسخه گزارش شخصی و نسخه ارزیابی مشاهده‌گر را در دامنه‌ای بین ۰/۶۶ تا ۰/۴۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای صفات روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به‌ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۶، ۰/۷۱، ۰/۷۲ و ۰/۷۵ به‌دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی^۳ و نظر پنج نفر از استادان هیئت علمی استفاده شد که مقدار آن برای همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ به‌دست آمد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

پرسشنامه سازوکارهای دفاعی^۴ -۴۰ (DSQ-40): پرسشنامه سازوکارهای دفاعی -۴۰ آندروز، سینگ و بوند (۱۹۹۳) یک پرسشنامه خودگزارشی قلم و کاغذی است که شامل ۴۰ گویه است که ۲۰ سازوکار دفاعی را در سه سطح پخته؛ روان‌رنجور و ناپخته را در یک طیف نه درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۹ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آندروز، سینگ و بوند (۱۹۹۳) ضرایب آلفای کرونباخ

1. NEO Five-Factor Inventory (NEO)
2. Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI)
3. Content Validity Ratio (CVR)
4. Defense Style Questionnaire-40 (DSQ-40)

را برای خرده‌مقیاس‌های پخته، روان‌رنجور و ناپخته در دو گروه سالم و اضطرابی به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۶۸ و ۰/۸۰ گزارش کردند. در پژوهش آندروز، سینگ و بوند (۱۹۹۳) بیماران دچار اختلال‌های اضطرابی نسبت به افراد سالم تفاوت معناداری را در سازوکارهای پخته ($F=-0/95$ و $P<0/05$)، روان‌رنجور ($F=0/40$ و $P<0/05$) و ناپخته ($F=0/44$ و $P<0/05$) نشان دادند. در ایران؛ حیدری‌نسب، منصور، آزاد فلاح و شعیری (۱۳۸۶) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و ۰/۸۷ و همبستگی این ابزار را با ویژگی‌های شخصیتی براساس پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت نئو^۱ به‌عنوان شاخصی از روایی این ابزار رضایت‌بخش گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای سازوکارهای دفاعی پخته، روان‌رنجور و ناپخته به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۰ و ۰/۸۳ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر همچنین برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی و نظر پنج نفر از استادان هیئت علمی استفاده شد که مقدار آن برای همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ به‌دست آمد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

پرسشنامه احساس گناه^۲ (GI): پرسشنامه احساس گناه کوگلر و جونز (۱۹۹۲) یک پرسشنامه خودگزارشی قلم و کاغذی است شامل ۴۵ گویه است که سه خرده‌مقیاس حالت گناه‌کاری؛ صفت گناه‌کاری و معیارهای اخلاقی را در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق=۵ تا کاملاً مخالف=۱ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سؤال‌های ۴، ۶، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کوگلر و جونز (۱۹۹۲) برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای از ۰/۸۵ تا ۰/۷۷ و همبستگی خرده‌مقیاس‌های این ابزار را با مقیاس گناه و شرم^۳ چیک و هوگان، ۱۹۸۳؛ مقیاس گناه^۴ باس و دورکی، ۱۹۵۷ و پرسشنامه خودآگاهی عاطفی و اسناددهی^۵ تانجنی، بورگراف، هام و دامینگوس، ۱۹۸۸ در دامنه‌ای از ۰/۵۱ تا ۰/۲۲ گزارش کردند. حسنون (۱۳۹۷) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ و همبستگی این ابزار را با مقیاس تجربه شرم^۶ برابر با ۰/۵۲۱ به‌عنوان شاخصی از روایی هم‌زمان گزارش کرد. در پژوهش حاضر، خرده‌مقیاس حالت گناه‌کاری حالت مدنظر بود و ضریب آلفای کرونباخ برای این خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۷۸ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر همچنین برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی و نظر پنج نفر از استادان هیئت علمی استفاده شد که مقدار آن برای همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ به‌دست آمد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

مقیاس تجارب تجزیه‌ای^۷ (DES): مقیاس تجارب تجزیه‌ای برنستاین و پاتنام (۱۹۸۶) با هدف سنجش مسخ شخصیت و مسخ واقعیت، شکاف‌های آگاهی و حافظه و تجارب تجزیه‌ای مکرر ساخته شده و

1. Neo Personality Inventory-Revised
2. Guilt Inventory (GI)
3. Guilt and Shame Scales
4. Guilt Scale
5. Self-Conscious Affect and Attribution Inventory
6. Experience of Shame Scale
7. Dissociative Experiences Scale (DES)

یک پرسشنامه خودگزارشی قلم و کاغذی شامل ۲۸ گویه است. نشانه‌های تجزیه‌ای و نه اختلال را در یک طیف لیکرت ۱۰ درجه‌ای از هرگز=۰ تا همیشه=۱۰۰ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. لورای، بیلوکس، دفلدر، کاسچی و وندر لیندن (۲۰۱۳) با استفاده از تحلیل عاملی برای این ابزار ساختاری دو عاملی دفاع‌های تجزیه‌ای^۱ و نظم‌جویی خودکار^۲ و ضرایب آلفای کرونباخ را برای این دو عامل ۰/۹۳ و ۰/۸۵ در جمعیت غیربالیینی گزارش کردند. در پژوهش آن‌ها ضریب همبستگی این ابزار با پرسشنامه افسردگی بک $r=0/27$ به دست آمد. مازوتی و همکاران (۲۰۱۶) برای این ابزار، ساختاری سه عاملی ربایش^۳، جداسازی^۴ و کناره‌گیری^۵ و ضرایب آلفای کرونباخ را برای این خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۷۴ و ۰/۸۴ در جمعیت بالینی و غیربالیینی گزارش کردند. در پژوهش مازوتی و همکاران (۲۰۱۶) افراد دچار اختلال‌های تجزیه‌ای نمره‌های بیشتری را نسبت به افراد بالینی دچار اختلال‌های روان‌پزشکی دیگر و افراد بالینی دچار دیگر اختلال‌های روان‌پزشکی نمره‌های بیشتری را نسبت به افراد غیربالیینی در مقیاس تجارب تجزیه‌ای کسب کردند. در پژوهش کارگربرزی، کربلایی محمد میگونی، برماس و تقی‌لو (۱۳۹۷) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس تجارب تجزیه‌ای ۰/۹۲ و ضریب همبستگی تجارب تجزیه‌ای با اندیشه‌پردازی خودکشی و صفات عاطفه‌پذیری منفی، جدایی، بازداری‌زدایی، روان‌پریش‌خویی و دشمنی به ترتیب ۰/۵۲۴، ۰/۱۶۵، ۰/۲۳۶، ۰/۲۵۱، ۰/۳۳۱ و ۰/۱۷۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی و نظر پنج نفر از استادان هیئت علمی استفاده شد که مقدار آن برای همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ به دست آمد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود.

در پژوهش حاضر، مدل ساختاری پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Amos-۲۴ و برآورد بیشینه احتمال^۶ و روش بوت‌استرپ^۷ مورد آزمون قرار گرفت. در مدل ساختاری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که صفات پنج عاملی شخصیت هم به صورت مستقیم و هم به واسطه سازوکارهای دفاعی و احساس گناه تجارب تجزیه‌ای را پیش‌بینی می‌کند.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

در پژوهش حاضر، میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کننده‌های پژوهش ۳۱/۰۳ و ۸/۴۶ بود. در پژوهش حاضر ۲۰۷ مرد (۳۷/۶۴ درصد) و ۲۴۱ زن (۴۳/۸۲) شرکت داشتند و ۱۰۲ نفر (۱۸/۵۴ درصد) جنسیت خود را مشخص نکرده بودند. به لحاظ تحصیلات ۳۲ نفر دیپلم (۵/۸ درصد)، ۱۳۰ نفر فوق دیپلم (۲۳/۶ درصد)،

1. defensive dissociations
2. automatic pilot
3. absorption
4. compartmentalization
5. detachment
6. maximum likelihood
7. Bootstrap

۷۱ نفر لیسانس (۱۲/۹ درصد)، ۲۵۸ نفر فوق لیسانس (۴۶/۹ درصد) و ۵۸ نفر (۱۰/۵ درصد) دکتری بود و یک نفر تحصیلات خود را گزارش نکرده بود. به لحاظ وضعیت تأهل ۲۳۷ نفر (۴۳/۱ درصد) مجرد، ۲۴۴ نفر (۴۴/۴ درصد) متأهل و ۲۲ نفر (۴/۰ درصد) مطلقه بودند و ۴۷ نفر (۸/۵ درصد) وضعیت تأهل خود را مشخص نکرده بودند. در پژوهش حاضر ۳۴۶ نفر (۶۲/۹ درصد) شاغل و ۱۵۴ نفر (۲۹ درصد) غیرشاغل بودند و ۵۰ نفر (۹/۱ درصد) نیز وضعیت شغلی خود را گزارش نکرده بودند. در پژوهش حاضر ۱۰۶ نفر (۱۹/۲۷ درصد) وضعیت اقتصادی اجتماعی خود را ضعیف، ۱۸۴ نفر (۳۳/۴۵ درصد) وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود را متوسط، ۹۶ نفر (۱۷/۴۵ درصد) وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود را بالاتر از متوسط و ۶۰ نفر (۱۰/۹۰ درصد) وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود را بالا گزارش کرده بودند و ۱۰۴ نفر (۱۸/۹۰ درصد) وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود را گزارش نکرده بودند.

ب) توصیف شاخص‌های پژوهش

جدول ۱- چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
روان‌رنجورخویی	۲۳/۸۶	۷/۰۵	-۰/۲۴۴	-۰/۸۷۸	۰/۶۹۵	۱/۴۳۹
برون‌گرایی	۲۵/۸۱	۶/۱۶	۰/۰۱۲	-۰/۴۹۰	۰/۶۸۲	۱/۴۶۷
وظیفه‌شناسی	۲۳/۷۱	۵/۴۴	۰/۲۹۰	۰/۲۹۴	۰/۶۲۵	۱/۵۹۹
توافق‌پذیری	۲۳/۸۰	۴/۹۱	۰/۲۵۵	۰/۸۰۳	۰/۶۹۸	۱/۴۳۲
گشودگی به تجربه	۲۴/۴۲	۷/۳۹	-۰/۱۱۷	-۰/۳۴۷	۰/۸۶۴	۱/۱۵۷
احساس گناه	۲۵/۷۰	۶/۸۷	-۰/۳۶۶	-۰/۹۵۸	۰/۶۵۹	۱/۳۲۷
سازوکارهای پخته	۴۱/۵۱	۱۰/۲۹	۰/۱۶۴	-۰/۱۸۰	۰/۸۱۸	۱/۲۲۳
سازوکارهای روان‌رنجور	۳۹/۶۵	۱۰/۳۱	-۰/۲۷۷	-۰/۳۰۳	۰/۸۰۹	۱/۲۳۶
سازوکارهای ناپخته	۱۲۵/۱۴	۲۶/۴۵	۰/۳۸۷	-۰/۴۲۱	۰/۶۰۲	۱/۶۶۰
تجارب تجزیه‌ای	۲۰/۲۴	۱۶/۰۰	۰/۸۰۷	-۰/۴۰۲	-	-

جدول ۱، میانگین یا به عبارتی مرکز ثقل داده‌ها و انحراف معیار صفات شخصیت، احساس گناه، سازوکارهای دفاعی و تجارب تجزیه‌ای را نشان می‌دهد. جدول ۱، نشان می‌دهد مقادیر چولگی و کشیدگی در دامنه‌ای از +۲ تا -۲ قرار داشتند؛ بنابراین دارای نرمال بودند. مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس در جدول ۱ نشان می‌دهد که مفروضه هم‌خطی بودن در بین متغیرهای پیش‌بین برقرار بود. زیرا ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین به ترتیب بزرگ‌تر از ۰/۱ و کوچک‌تر از ۱۰ بود.

ج) همبستگی شاخص‌ها

جدول ۲- ماتریس همبستگی شاخص‌های پژوهش

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								-	روان رنجور خوبی
							-	-۰/۲۵۲**	برون گرایی
						-	۰/۱۱۳*	-۰/۲۴۴**	وظیفه‌شناسی
					-	۰/۰۸۱	۰/۰۵۵	-۰/۰۰۳	گشودگی به تجربه
				-	۰/۱۷۹**	۰/۲۵۳**	۰/۱۸۷**	-۰/۱۱۴**	توافق‌پذیری
			-	۰/۰۱۵	۰/۰۲۵	-۰/۰۲۵	-۰/۱۷۴**	۰/۱۷۸**	احساس گناه
		-	-۰/۰۶۳	۰/۱۵۵**	۰/۰۳۶	۰/۰۳۳	۰/۰۸۲	-۰/۰۷۲	سازوکارهای پخته
	-	-۰/۰۸۲	۰/۲۰۵**	-۰/۱۶۰**	-۰/۱۴۹**	۰/۰۶۳	-۰/۰۳۵	۰/۲۷۷**	سازوکارهای روان رنجور
-	۰/۴۲۴**	-۰/۱۸۵**	۰/۳۹۴**	-۰/۱۹۴**	-۰/۰۶۶	۰/۱۰۴	-۰/۰۲۵	۰/۲۳۶**	سازوکارهای ناپخته
۰/۲۶۲**	۰/۲۱۳**	-۰/۰۸۱	۰/۰۹۱*	-۰/۰۸۱	-۰/۰۵۹	۰/۰۴۶*	-۰/۲۸۷**	۰/۱۸۲**	تجارب تجزیه‌ای

*P<۰/۰۵ و **P<۰/۰۱

جدول ۲، نشان می‌دهد صفات روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی و سازوکارهای روان‌رنجور و ناپخته با تجارب تجزیه‌ای در سطح معناداری ۰/۰۱ و صفت وظیفه‌شناسی و احساس گناه با تجارب تجزیه‌ای در سطح معناداری ۰/۰۵ همبستگی داشتند. جدول ۲، همچنین نشان می‌دهد صفت وظیفه‌شناسی با سازوکارهای پخته، صفات روان‌رنجورخویی، گشودگی به تجربه و توافق‌پذیری و احساس گناه با سازوکارهای روان‌رنجور و صفات روان‌رنجورخویی و توافق‌پذیری و احساس گناه با سازوکارهای ناپخته در سطح ۰/۰۱ همبستگی داشتند. صفات روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی با احساس گناه در سطح معناداری ۰/۰۱ همبستگی داشتند. در ادامه ارزیابی مقادیر کشیدگی و چولگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلنویس^۱ به‌عنوان روشی برای اندازه‌گیری فاصله مشاهدات از یکدیگر و بررسی نمودار باکس‌پلات^۲ و حذف داده‌های پرت در نهایت، نشان داد که توزیع داده‌های چندمتغیری نرمال است (مقادیر کشیدگی و چولگی به ترتیب برابر با ۰/۴۶۲- و ۰/۵۲۷ بود). به‌منظور ارزیابی همگنی واریانس‌ها (مفروضه همگنی واریانس‌ها به این معناست که واریانس خطاها در سطوح مختلف متغیر وابسته یکسان است) نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها^۳ موردبررسی قرار گرفت.

در پژوهش حاضر، درجه آزادی در مدل اندازه‌گیری برابر با ۱- (در مدلیابی معادلات ساختاری درجه آزادی حاصل تفریق پارامترهای مجهول از پارامترهای معلوم است) (۳-۴=۱) است. به این نوع مدل که در آن درجه آزادی منفی است «مدل زیرمانند^۴» گفته می‌شود. زمانی که مدل زیرمانند باشد، پارامترها و شاخص‌های برازندگی محاسبه و برآورد نمی‌شود (کالین، ۲۰۱۶).

جدول ۳- شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌های برازندگی					
شاخص نکویی تطبیقی	شاخص توکر- لویس	شاخص برازش نرم شده	ریشه خطای میانگین	مقدور کای نرم شده	مقدور کای
۱/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۹۹۲	۰/۰۰۷	۱/۰۲۵	۷/۱۷(P=۰/۴۱۱)
>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۰۸۰	<۳	P>۰/۰۵
					مدل ساختاری
					مقادیر قابل قبول

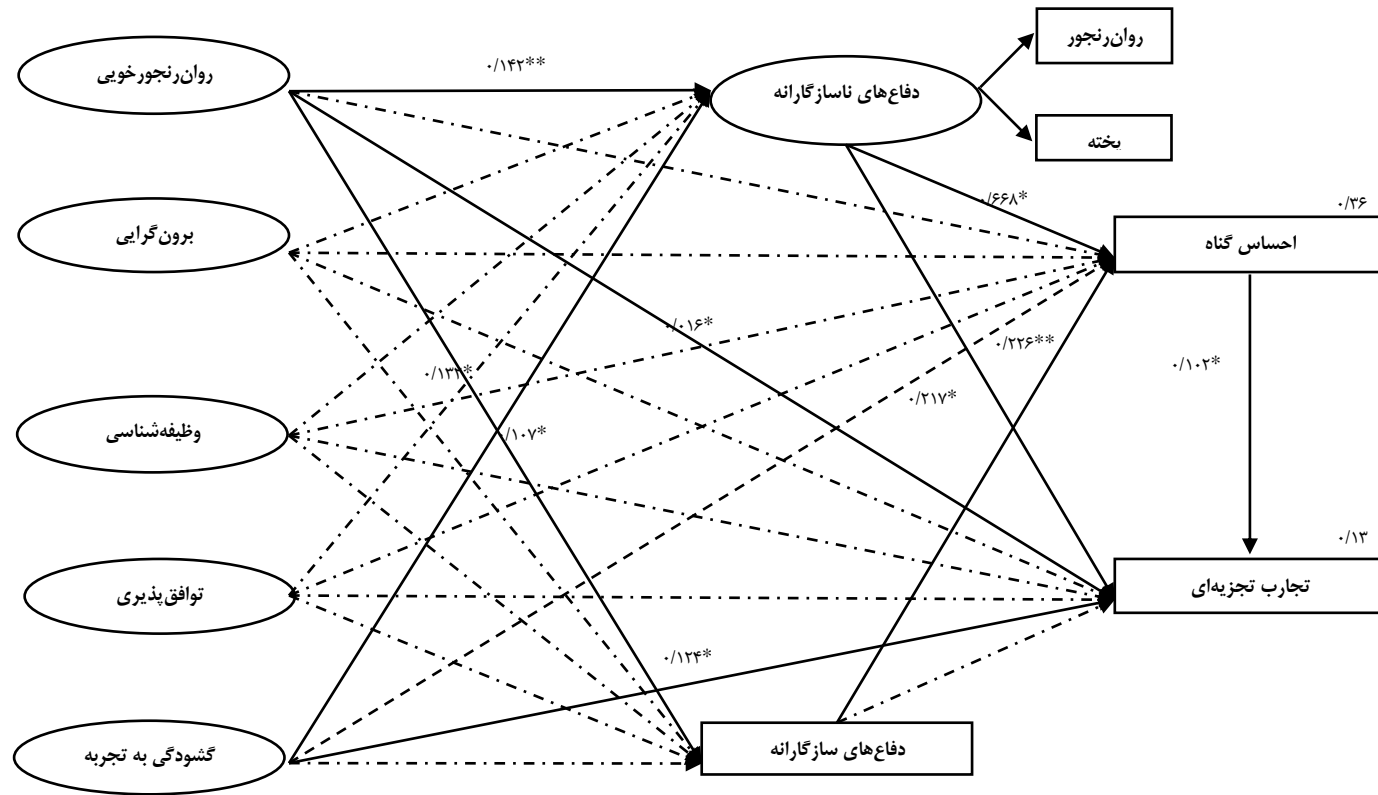
جدول ۳، نشان می‌دهد شاخص‌های برازندگی به‌دست آمده از برازش قابل قبول مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کند.

1. Mahalanobis Distance (D)
2. Boxplot
3. standardized residuals
4. underidentified model

جدول ۴- ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم

مسیرها		کل		مستقیم		غیرمستقیم	
	β	سطح معناداری	β	سطح معناداری	β	سطح معناداری	β
روان رنجور خویی - سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه	-	-	۰/۱۴۲	۰/۰۳۹	-	-	-
برون گرایی - سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه	-	-	۰/۰۱۹	۰/۷۱۷	-	-	-
وظیفه شناسی - سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه	-	-	۰/۰۰۴	۰/۹۲۱	-	-	-
توافق پذیری - سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه	-	-	۰/۰۲۳	۰/۷۲۵	-	-	-
گشودگی به تجربه - سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه	-	-	۰/۱۳۲	۰/۰۰۸	-	-	-
روان رنجور خویی - سازوکارهای دفاعی سازگارانه	-	-	۰/۰۱۰۷	۰/۰۳۹	-	-	-
برون گرایی - سازوکارهای دفاعی سازگارانه	-	-	۰/۰۵۹	۰/۲۱۴	-	-	-
وظیفه شناسی - سازوکارهای دفاعی سازگارانه	-	-	۰/۰۳۹	۰/۵۴۲	-	-	-
توافق پذیری - سازوکارهای دفاعی سازگارانه	-	-	۰/۰۱۰	۰/۸۵۱	-	-	-
گشودگی به تجربه - سازوکارهای دفاعی سازگارانه	-	-	۰/۰۳۵	۰/۴۶۹	-	-	-
روان رنجور خویی - تجارب تجزیه‌ای	۰/۰۲۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۴۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹
برون گرایی - تجارب تجزیه‌ای	۰/۰۳۷	۰/۴۴۵	۰/۰۴۵	۰/۳۹۵	۰/۰۰۸	۰/۶۳۵	۰/۶۳۵
وظیفه شناسی - تجارب تجزیه‌ای	۰/۱۱۶	۰/۷۷	۰/۱۱۵	۰/۰۷۰	۰/۰۰۱	۰/۹۹۲	۰/۹۹۲
توافق پذیری - تجارب تجزیه‌ای	۰/۰۰۲	۰/۹۸۸	۰/۰۰۲	۰/۹۲۹	۰/۰۰۴	۰/۷۷۹	۰/۷۷۹
گشودگی به تجربه - تجارب تجزیه‌ای	۰/۰۸۴	۰/۰۶۶	۰/۱۲۴	۰/۰۰۴	۰/۰۴۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
روان رنجور خویی - احساس گناه	۰/۰۶۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۰/۹۱۷	۰/۷۲	۰/۰۴۱	۰/۰۴۱
برون گرایی - احساس گناه	۰/۰۰۶	۰/۸۸۷	۰/۰۰۶	۰/۹۱۸	۰/۰۰۰	۰/۹۵۵	۰/۹۵۵
وظیفه شناسی - احساس گناه	۰/۰۰۲	۰/۹۸۰	۰/۰۱۳	۰/۸۳۱	۰/۰۱۱	۰/۷۷۰	۰/۷۷۰
توافق پذیری - احساس گناه	۰/۰۰۴	۰/۹۵۳	۰/۰۲۱	۰/۶۵۴	۰/۰۱۷	۰/۶۳۴	۰/۶۳۴
گشودگی به تجربه - احساس گناه	۰/۰۸۳	۰/۰۶۴	۰/۰۰۲	۰/۹۳۶	۰/۰۸۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱
سازوکارهای دفاعی سازگارانه - احساس گناه	-	-	۰/۲۱۷	۰/۰۰۳	-	-	-
سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه - احساس گناه	-	-	۰/۶۶۸	۰/۰۰۲	-	-	-
سازوکارهای دفاعی سازگارانه - تجارب تجزیه‌ای	۰/۰۲۶	۰/۵۶۵	۰/۰۴۸	۰/۳۵۷	۰/۰۲۲	۰/۱۰۹	۰/۱۰۹
سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه - تجارب تجزیه‌ای	۰/۲۹۴	۰/۰۰۱	۰/۲۲۶	۰/۰۱۴	۰/۰۶۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
احساس گناه - تجارب تجزیه‌ای	-	-	۰/۱۰۲	۰/۰۰۸	-	-	-

جدول ۴، نشان می‌دهد ضرایب مسیر کل بین روان‌رنجورخویی با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/028$) و ($P<0/001$)، روان‌رنجورخویی با احساس گناه ($\beta=0/065$ و $P<0/01$) و سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/294$ و $P<0/01$) معنادار بود. ضرایب مسیر مستقیم بین روان‌رنجورخویی با سازوکار دفاعی ناسازگارانه ($\beta=0/142$ و $P<0/05$)، گشودگی به تجربه با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه ($\beta=0/132$ و $P<0/01$)، روان‌رنجورخویی با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه ($\beta=-0/107$ و $P<0/05$)، روان‌رنجورخویی با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/016$ و $P<0/01$)، سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با احساس گناه ($\beta=-0/217$) و ($P<0/01$)، سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با احساس گناه ($\beta=0/668$ و $P<0/01$)، سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/226$ و $P<0/05$) و احساس گناه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/102$) و ($P<0/01$) معنادار بود. در نهایت، ضرایب مسیر غیرمستقیم روان‌رنجورخویی با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/044$) و ($P<0/01$)، گشودگی به تجربه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/040$ و $P<0/01$)، روان‌رنجورخویی با احساس گناه ($\beta=0/072$ و $P<0/05$)، گشودگی به تجربه با احساس گناه ($\beta=0/081$ و $P<0/05$) و سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با تجارب تجزیه‌ای ($\beta=0/068$ و $P<0/01$) معنادار بود.



شکل ۱- نمودار الگوی معادلات ساختاری مربوط به ضرایب مسیر و مقادیر معناداری

شکل ۱ نشان می‌دهد مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای تجارب تجزیه‌ای ۰/۱۳ به دست آمده است. بدین معنا که ۱۳ درصد از تغییرات تجارب تجزیه‌ای به واسطه صفات شخصیت، سازوکارهای دفاعی و احساس گناه تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، سازوکارهای دفاعی سازگارانه و ناسازگارانه رابطه بین روان‌رنجورخویی با احساس گناه و سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه رابطه بین روان‌رنجورخویی با تجارب تجزیه‌ای را میانجی‌گری می‌کند. سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه رابطه بین گشودگی به تجربه با احساس گناه و تجارب تجزیه‌ای را میانجی‌گری می‌کند. احساس گناه رابطه بین سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با تجارب تجزیه‌ای را میانجی‌گری می‌کند. در پژوهش حاضر رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین صفات روان‌رنجورخویی و گشودگی به تجربه با تجارب تجزیه‌ای با نتایج حاصل از پژوهش‌های (دی سیلوا و وارد، ۱۹۹۳؛ گروس - مارنات و جفس، ۲۰۰۲؛ کواپیل، وراپل و پوپ، ۲۰۰۲)، نشان داده‌اند که عنوان داشته‌اند که صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و گشودگی به تجربه، موجب کاهش یا افزایش تجارب تجزیه‌ای در پاسخ به تنش می‌شود؛ هم‌راستا بود. رابطه مستقیم صفت روان‌رنجورخویی با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه، با نتایج حاصل از پژوهش‌های (زندى، شهابی‌نژاد و برهان، ۱۳۹۶؛ کچویی، پارسا و سویزی، ۱۳۹۳؛ محمدلو، الهی و مروتی، ۲۰۱۶) و رابطه مستقیم صفت گشودگی به تجربه با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه با نتایج حاصل از پژوهش کچویی، پارسا و سویزی (۱۳۹۳) هم‌راستا است. رابطه مستقیم بین سازوکارهای دفاعی و احساس گناه، با نتایج پژوهش (پوهالا و همکاران، ۲۰۱۶؛ دوراهی، ۲۰۱۰) هم‌راستا است. رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین سازوکارهای دفاعی و تجارب تجزیه‌ای، با نتایج حاصل از پژوهش‌های (اسکالابیرینی و همکاران، ۲۰۲۰؛ دوراهی، ۲۰۱۰؛ هیبرت، لانگوین و چارست، ۲۰۲۰) هم‌راستا است. رابطه مستقیم بین احساس گناه و تجارب تجزیه‌ای با نتایج حاصل از پژوهش‌های (ایروین، ۱۹۹۸؛ روگنز و ترهون، ۲۰۱۳؛ دوراهی، ۲۰۱۰؛ فینی، زولنر و فوا، ۲۰۰۰؛ کالکاری، پورتر و راج، ۲۰۱۲) که تجزیه را سازوکاری اجتنابی در مقابله با احساس گناه معرفی کردند هم‌راستا است.

صفات شخصیت و راهبردهای نظم‌جویی هیجان عوامل بالقوه محافظت‌کننده‌ای در مقابل تنش و تجارب روان‌پریشانه هستند، همچنان که صفات پاسخ‌های رفتاری، هیجانی و شناختی را موجب می‌شوند و پژوهشگران اشاره داشته‌اند میانجی‌گرهایی در رابطه بین صفات شخصیت و تجارب روان‌پریشانه قرار دارند. استفاده مداوم از راهبردهای اجتنابی با تجارب روان‌پریشانه در ارتباط است. بدین معنا که افراد با سطوح بالاتری از تنش به‌جای پذیرش غیرقضاوت‌گرانه هیجان‌ها، ابراز هیجان‌های خود را سرکوب می‌کنند که تجارب روان‌پریشانه نظیر تجزیه را در پی دارد (شی و همکاران، ۲۰۱۸).

در تبیین روابط مستقیم و غیرمستقیم صفت روان‌رنجورخویی با سازکارهای دفاعی ناسازگارانه، احساس گناه و تجارب تجزیه‌ای می‌توان گفت عواطفی نظیر احساس شرم و گناه که هم از تعارض‌های ناهشیار ناشی می‌شوند و هم از سبک نشخواری و خودسرزنش‌گری در شخصیت‌های روان‌رنجور موجب متوسل شدن شخص به سازوکارهای دفاعی مختلف می‌شوند. سازوکارهای دفاعی برای تنظیم هیجانی و محافظت از هیجان‌های دردآور نظیر احساس شرم و گناه به کار می‌روند و از آگاهی از شخص محافظت می‌کنند (آفتاب، برماس و ابوالعالی الحسینی، ۱۳۹۸). کارکرد اجتنابی دفاع‌ها که اجتناب از آگاهی از جنبه‌های تنش‌زای رویدادها و تعارض‌ها را فراهم می‌آورد، استفاده مداوم از چنین دفاع‌هایی، موجب تداوم رفتارهای مرتبط با صفات شخصیت می‌شود (پری، پرسنیک و اولسون، ۲۰۱۳). داشتن احساسات منفی همچون ترس، غم، برانگیختگی و خشم، از ویژگی‌های افراد روان‌رنجور است؛ چنان که می‌توان گفت این هیجان‌های مخرب در سازگاری فرد روان‌رنجور با محیط اثرگذارند و از آن‌جا که این افراد دارای باورهای غیرمنطقی، قدرت کم در کنترل تکانه و درجه انطباق ضعیف‌تری با دیگران هستند، در موقعیت‌های تنش‌زا به سازوکارهای دفاعی ناپخته متوسل می‌شوند. این دفاع‌های ناسازگارانه با حرمت خود ناپایدار و شکننده و پیامدهای منفی از قبیل اضطراب، احساس گناه و افسردگی ارتباط دارند (زندى، شهبانى‌نژاد و برهان، ۱۳۹۶) و به این دلیل، افراد روان‌رنجور نگرش و خودارزیابی‌های منفی نسبت به خود دارند، انتظار و احساس کارایی به‌ویژه در حل تعارض‌های دروان روانی ندارند، احساس درماندگی می‌کنند و به اجتناب و دفاعی شدن تمایل دارند (استانسکو و موروسانو، ۲۰۰۵). به‌خاطر این ویژگی‌ها، این افراد ترس از شکست خوردن دارند. به‌همین دلیل، از خطر اشتباه کردن اجتناب می‌کنند و کمتر خود را درگیر تکالیف زندگی می‌کنند که این ترس از شکست، خود باعث تضعیف بیشتر آنان و ناکامی می‌شود که این عوامل خود ایجادکننده دلسردی و ناامیدی و درهم شکنندگی آن‌ها می‌شود و چون توانایی کنار آمدن با موقعیت‌های فشارزا و بحرانی را ندارند، نمی‌توانند هیجان‌های خود را تحت کنترل و مدیریت قرار دهند. از لحاظ بین‌فردی، افراد روان‌رنجور چون نسبت به دیگران بی‌اعتماد و بدبین هستند، کمتر از حمایت دیگران بهره‌مند می‌شوند که این نیز، خود توانایی کنار آمدن آن‌ها را با موقعیت‌های تنش‌زا تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب ویژگی‌های زیربنایی این افراد، استفاده بیشتر از راهبردهای اجتنابی نظم‌جویی هیجانی را موجب می‌شود (داوری و احمدی، ۱۳۹۸). به‌طور کلی، رفتار ناسازگارانه، تصویر تحریف شده از خود و خودقربانی‌سازی در افراد روان‌رنجور با متوسل شدن به دفاع‌های ناسازگارانه موجب تلاش‌های ناکارآمد در مواجهه با مشکلات جهت محو آن‌ها می‌شود (استانسکو و موروسانو، ۲۰۰۵). عاطفه‌پذیری منفی و ارزش‌زدایی خویشتن در این افراد، در کنار بی‌نظمی‌های ادراکی‌شان که تظاهرات اختلال در نظم‌جویی هیجانی و اختلال در پردازش شناختی و هیجانی و یکپارچگی تفکر و احساس و عدم ظرفیت تجربه حالت‌های هیجانی شدید هستند، موجب می‌شود احساس گناه و تضعیف روحیه و تجارب تجزیه‌ای را در مواجهه با تنیدگی از خود نشان دهند (باچ و فجلستد، ۲۰۱۷) و در چنین مواقعی، تجزیه هیجانی-شناختی و رفتاری ظاهر شده و متعاقباً شکست ناخودآگاه در هدایت رفتار می‌شود (استانسکو و موروسانو، ۲۰۰۵).

در یک جمع‌بندی باید گفت، پیش‌آمدگی‌های زیستی از جمله صفت روان‌رنجورخویی، افراد را مستعد در هم‌شکستن در مواجهه با رویدادهای زندگی تنش‌زا می‌شود، از آن‌جا که این افراد به‌دلایل مختلف از جمله دارا بودن صفاتی که تجارب محیطی منفی بی‌شماری را برای آن‌ها فراهم آورده است و از یادگیری نظم‌جویی هیجانی کارآمد را در موقعیت‌های دشوار ممانعت به‌عمل آورده است؛ چنان‌چه این افراد از ظرفیت نظم‌جویی هیجانی برای متوسل شدن به راهبردهای نظم‌جویی هیجانی سازگارانه برخوردار نیستند در مواجهه با حتی رویدادهای تنش‌زای جزئی واکنش‌پذیری و شدت هیجانی بالایی از خود نشان می‌دهند که به‌کارگیری دفاع‌های ناسازگارانه مانند انکار را در کنار آمدن با رویداد شامل می‌شود. با این حال، به‌علت شدت واکنش‌پذیری هیجانی شخص دفاع‌ها، نه تنها مؤثر واقع نمی‌شوند؛ بلکه هیجان‌های منفی این بار با شدت بیشتری در سطح آگاهی حضور می‌یابند؛ چنان‌چه شخص را به‌دلایلی چون از خودبیزاری و عدم کفایت مستعد احساس گناه می‌سازند. احساس گناه خود با توجه به مضامینی که برای «خود» شخص دارد، هیجان‌های منفی را تشدید می‌کند و شخص را در باتلاقی از هیجان‌ها گرفتار می‌سازد. ناکارآمدی دفاع‌ها در کنار احساس گناه، بار دیگر شخص را بر آن میدارد که چاره‌ای بیندیشد و این بار ناهشیار و خودکار در دام تجزیه گرفتار می‌شود.

در تبیین روابط مستقیم و غیرمستقیم صفت گشودگی به تجربه با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه، احساس گناه و تجارب تجزیه‌ای باید گفت گشودگی به تجربه سبک شناختی و آگرایی است که نوجویی، خلاقیت و پیچیدگی شناختی را دربرمی‌گیرد و هرچقدر بیشتر شدت بگیرد، غیرمعمول، عجیب و غریب و غیرمتعارف و مرموز بودن فرد را به نمایش می‌گذارد. گرچه چنین سبک شناختی، ممکن است به‌طور موقتی سودمند باشد؛ اما مفهومی بسیار نزدیک به اجزای تشکیل‌دهنده اختلال شخصیت اسکیزوتایپی نظیر تفکر و گفتار عجیب و غریب و جادویی نیز است و دارا بودن میزان بالای این صفت غرابت تفکر، انحرافات شناختی - ادراکی و ناسازگاری، جدایی و انزوا و عواطف محدود و همچنین متوسل شدن به سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه نظیر خیال‌پردازی را در این افراد نشان می‌دهد (پری، پرسنیاک و اولسون، ۲۰۱۳؛ ترول و ویدیجر، ۲۰۱۳؛ ریدینور، ۲۰۱۶؛ گرانیبری و همکاران، ۲۰۱۷). سبک تفکر غیرمعمول که ویژگی منشی صفت گشودگی به تجربه است، می‌تواند به عقاید غیرواقعی درباره جهان، نظام باورهای فراطبیعی یا غیرنرمال و در نهایت، از دست دادن واقعیت‌آزمایی منجر شود. با این حال، ابزارهای موجود در زمینه اندازه‌گیری صفت گشودگی به تجربه مانند پرسشنامه پنج عاملی نئو عمدتاً به‌شدت محدود به قدرت انطباق‌پذیری صفت گشودگی به تجربه هستند (ویدیجر و کروگر، ۲۰۱۹). بدین ترتیب، تجارب تجزیه‌ای ممکن است نوعی از اختلال تفکر در این افراد باشد و برای چنین فردی تفکر جادویی نیازمند بعضی از مهارت‌های تجزیه‌ای باشد. به‌ویژه، انجام اعمالی از قبیل تفکر جادویی ممکن است بستگی به کنار گذاشتن یا تجزیه هرگونه اطلاعات یا فرآیندهای واقعیت‌سنجی‌ای دارد که منطقی بودن خط فکری فرد را کاهش می‌دهد. برعکس، داشتن تمایلات تجزیه‌ای ممکن است شخص را مستعد جدایی از واقعیت‌های ناگوار زندگی کند و پس از آن شخص به‌طور افراطی از تفکر جادویی استفاده کند (روحانی و هارونی، ۱۳۹۷).

در یک جمع‌بندی باید گفت، گرچه رابطه صفت گشودگی به تجربه با سازوکارهای دفاعی ناسازگارانه و تجارب تجزیه‌ای نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری افراد دارای میزان بالای این صفت است؛ ولی افراد دارای صفت گشودگی به تجربه از نواقص شناختی- ادراکی نظیر تفکر جادویی رنج می‌برند که موجب تنزل سطح احساس گناه در مواجهه شدن با تخطی‌های شخصی، اما قطع ارتباط این افراد با واقعیت و محیط اطراف می‌شود و متوسل شدن به سازوکارهای دفاعی ناسازگار مانند خیال‌پردازی در عوض کنار آمدن فعال دست به جبران می‌زنند که در نهایت، موجب آسیب‌پذیری هرچه بیشتر این افراد در مواجهه با محیط و تجزیه سازوکارهای روانی در شرایط تنش‌زا می‌شود.

هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌هایی دارد. براساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر از آن‌جا که نمونه موردبررسی را در پژوهش حاضر افراد غیربالینی تشکیل می‌دادند، به مسئولان، بالینگران و درمانگران پیشنهاد می‌شود، آموزش‌های همگانی را ترتیب دهند که آن دسته از سازوکارهای دفاعی ناسازگار، شناخت واره‌ها و هیجان‌ها را در افراد هدف قرار می‌دهند که به‌هنگام تخطی‌گری، موجب سرزنش‌گری و احساس گناه بیش‌ازحد و غیرمنطقی می‌شوند. همچنین در درمان افراد بالینی دارای تجارب تجزیه‌ای، پیشنهاد می‌شود با سنجش سنخ شخصیتی و میزان احساس گناه درمان‌هایی متناسب با این عوامل خطر به آن‌ها ارائه دهند. علاوه‌براین، برای درمان افراد دچار نشانگان تجزیه‌ای با توجه به نقش سازوکارهای دفاعی در بروز این نشانگان درمانگران می‌توانند از درمان‌هایی که این سازوکارها را نشانه می‌گیرند، همچون درمان روان‌پویایی کوتاه‌مدت بهره بگیرند. در نهایت، انجام پژوهش‌هایی با متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر در افراد بالینی و مقایسه نتایج با نتایج حاصل از این پژوهش به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آفتاب، ر.، برماس، ح.، و ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۸). پیش‌بینی اندیشه‌پردازی خودکشی براساس صفات پنج عاملی شخصیت با واسطه‌گری سازوکارهای دفاعی. *مجله روان‌شناسی بالینی*. ۱۱(۴۳)، ۲۴-۱۱.
- حسنوند، ص. (۱۳۹۷). پیش‌بینی خشم و افکار پارانوئیدی براساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هیجان‌های خودآگاه و اجتناب تجربی در زنان دچار افسردگی پس از زایمان. *رساله دکتری روان‌شناسی عمومی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- حیدری‌نسب، ل.، منصور، م.، آزاد فلاح، پ.، و شعیری، م. ر. (۱۳۸۶). روایی و اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی در نمونه‌های ایرانی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار سابق)*. ۱۱(۲۲)، ۲۷-۱۱.
- داوری، ر.، و احمدی، ح. (۱۳۹۸). مدل ساختاری ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری معنویت در گرایش به خودکشی و سوء‌مصرف مواد. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۱۳(۵۱)، ۶۷-۶۷.
- دلاور، ع. (۱۳۹۸). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: رشد.
- روحانی، ع.، و هارونی، ی. (۱۳۹۷). مقایسه تجارب تجزیه‌ای و خلاقیت در دانشجویان دارای علائم هیپومانیا و اسکیزوتایپی بالا. *فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی- شناختی*. ۹(۳۲)، ۷۲-۵۷.

- زندگی، س.، شهبایی‌نژاد، ز.، و برهان، آ. (۱۳۹۶). پیش‌بینی سطوح مختلف مکانیسم‌های دفاعی براساس پنج عامل بزرگ شخصیت در دانشجویان. *مجله علوم پزشکی زانکو/ دانشگاه علوم پزشکی کردستان*. ۱۸(۵۶)، ۳۲-۲۱.
- کارگریزی، ح.، کربلایی محمد میگوئی، آ.، برماس، ح.، و تقی‌لو، ص. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تجارب تجزیه‌ای و همبستگی آن با افکار خودکشی و صفات بیمارگون شخصیت در بیماران افسرده. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۹(۳۴)، ۱۱۱-۱۲۷.
- کچویی، م.، پارسا، و.، و سویزی، ر. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای سبک‌های دفاعی و صفات شخصیتی در افراد غیرافسرده و افسرده مراجعه‌کننده به مراکز درمانی وابسته به دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی. *فصلنامه علوم پزشکی*. ۲۴(۳)، ۱۸۸-۱۸۲.
- گروسی فرشی، م.، مهریار، آ. ه.، و قاضی طباطبایی، م. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی و تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. ۱۱(۳۹)، ۱۹۸-۱۷۳.
- نادی، م. ع.، عزیززی، ه.، و مسجدی، ن. (۱۳۹۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، رفتار اخلاقی و احساس گناه با رفتار شهروندی اجباری. *مجله روان‌شناسی*. ۲۳(۱)، ۹۸-۸۳.
- نوحی، س.، و حسنی، ج. (۱۳۹۶). رابطه راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان و مکانیسم‌های دفاعی با علائم اختلال شخصیت مرزی. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. ۱۱(۴۳)، ۶۶-۵۷.

References

- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The defense style questionnaire. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 181(4), 246-256.
- Bach, B., & Fjeldsted, R. (2017). The role of DSM-5 borderline personality symptomatology and traits in the link between childhood trauma and suicidal risk in psychiatric patients. *Borderline Personality Disorder and Emotion Dysregulation*, 4(1), 1-12.
- Bernstein, E. M., & Putnam, F. W. (1986). Development, reliability, and validity of a dissociation scale. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 174(12), 727-735.
- Bob, P., Selesova, P., Raboch, J., & Kukla, L. (2013). 'Pseudoneurological' symptoms, dissociation and stress-related psychopathology in healthy young adults. *BMC Psychiatry*, 13(1), 149.
- Buss, A. H., & Durkee, A. (1957). An inventory for assessing different kinds of hostility. *Journal of Consulting Psychology*, 21(4), 343-349.
- Calati, R., Bensassi, I., & Courtet, P. (2017). The link between dissociation and both suicide attempts and non-suicidal self-injury: Meta-analyses. *Psychiatry Research*, 251, 103-114.
- Cheek, J. M., & Hogan, R. (1983). Self-concepts, self-presentations, and moral judgments. In J. Suls & A. G. Greenswald (Eds.), *Psychological perspectives on the self* (Vol. 2, pp. 249-273). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Costa, P. T. Jr., & McCrae, R. R. (1989). *The NEO-PI/NEO-FFI manual supplement*.

- Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Costa, P. T. Jr., & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Cramer, P., & Porcerelli, J. H. (2016). Defense Mechanisms. In H. S. Friedman (Ed.), *Encyclopedia of Mental Health* (2nd Ed.) (pp. 13-17). Oxford: Academic Press.
- De Silva, P., & Ward, A. J. M. (1993). Personality correlates of dissociative experiences. *Personality and Individual Differences*. 14(6), 857-859.
- Dorahy, M. J. (2010). The impact of dissociation, shame, and guilt on interpersonal relationships in chronically traumatized individuals: a pilot study. *Journal of Traumatic Stress*. 23(5), 653-656.
- Erden, S., & Akbag, M. (2015). How do personality traits effect shame and guilt?: An evaluation of the turkish culture. *Eurasian Journal of Educational Research*. 15(58), 113-132.
- Feeny, N. C., Zoellner, L. A., & Foa, E. B. (2000). Anger, dissociation, and posttraumatic stress disorder among female assault victims. *Journal of Traumatic Stress*. 13(1), 89-100.
- Fontana, A. (2018). Is psychosis caused by defective dissociation? An artificial life model for schizophrenia. *European Journal of Trauma & Dissociation*. 2(1), 11-19.
- Granieri, A., La Marca, L., Mannino, G., Giunta, S., Guglielmucci, F., & Schimmenti, A. (2017). The relationship between defense patterns and dsm-5 maladaptive personality domains. *Frontiers in Psychology*. 8(1926).
- Groth-Marnat, G., & Jeffs, M. (2002). Personality factors from the five-factor model of personality that predict dissociative tendencies in a clinical population. *Personality and Individual Differences*. 32(6), 969-976.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*. 103(2), 265-275.
- Hébert, M., Langevin, R., & Charest, F. (2020). Disorganized attachment and emotion dysregulation as mediators of the association between sexual abuse and dissociation in preschoolers. *Journal of Affective Disorders*. 267, 220-228.
- Irwin, H. J. (1998). Affective predictors of dissociation. II: Shame and guilt. *Journal of Clinical Psychology*. 54(2), 237-245.
- Jonason, P. K., & Sherman, R. A. (2020). Personality and the perception of situations: The big five and dark triad traits. *Personality and Individual Differences*. 163, 110081.
- Jourdy, R., & Petot, J.-M. (2017). Relationships between personality traits and depression in the light of the “Big Five” and their different facets. *L'Évolution Psychiatrique*. 82(4), e27-e37.
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th Ed). New York, NY, US: Guilford Press.

- Kratzer, L., Heinz, P., Pfitzer, F., Padberg, F., Jobst, A., & Schennach, R. (2018). Mindfulness and pathological dissociation fully mediate the association of childhood abuse and PTSD symptomatology. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 2(1), 5-10.
- Kugler, K., & Jones, W. H. (1992). On conceptualizing and assessing guilt. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(2), 318-327.
- Kulkarni, M., Porter, K. E., & Rauch, S. A. (2012). Anger, dissociation, and PTSD among male veterans entering into PTSD treatment. *Journal of Anxiety Disorders*, 26(2), 271-278.
- Kwapil, T. R., Wrobel, M. J., & Pope, C. A. (2002). The five-factor personality structure of dissociative experiences. *Personality and Individual Differences*, 32(3), 431-443.
- Larøi, F., Billieux, J., Defeldre, A. C., Ceschi, G., & Van der Linden, M. (2013). Factorial structure and psychometric properties of the French adaptation of the Dissociative Experiences Scale (DES) in non-clinical participants. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée/European Review of Applied Psychology*, 63(4), 203-208.
- Leach, C. W., Iyer, A., & Pedersen, A. (2006). Anger and guilt about ingroup advantage explain the willingness for political action. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 32(9), 1232-1245.
- Lotfinia, S., Soorgi, Z., Mertens, Y., & Daniels, J. (2020). Structural and functional brain alterations in psychiatric patients with dissociative experiences: A systematic review of magnetic resonance imaging studies. *Journal of Psychiatric Research*, 128, 5-15.
- Lyssenko, L., Schmahl, C., Bockhacker, L., Vonderlin, R., Bohus, M., & Kleindienst, N. (2018). Dissociation in psychiatric disorders: A meta-analysis of studies using the dissociative experiences scale. *American Journal of Psychiatry*, 175(1), 37-46.
- Matthews, G. (2020). Stress states, personality and cognitive functioning: A review of research with the dundee stress state questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 110083.
- Mazzotti, E., Farina, B., Imperatori, C., Mansutti, F., Prunetti, E., Speranza, A. M., & Barbaranelli, C. (2016). Is the dissociative experiences scale able to identify detachment and compartmentalization symptoms? Factor structure of the dissociative experiences scale in a large sample of psychiatric and nonpsychiatric subjects. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 12, 1295-302.
- Mohammadlou, M., Elahi, T., & Morovati, Z. (2016). The role of personality traits in predicting defense mechanisms with mediating role of attribution styles in university students. *Acta Medica Mediterranea*, 32, 1265-1272.
- Orbach, I. (1994). Dissociation, physical pain, and suicide: a hypothesis. *Suicide & Life-Threatening Behavior*, 24(1), 68-79.
- Perry, J. C., Presniak, M. D., & Olson, T. R. (2013). Defense mechanisms in

- schizotypal, borderline, antisocial, and narcissistic personality disorders. *Psychiatry*. 76(1), 32-52.
- Plutchik, R. (1997). The circumplex as a general model of the structure of emotions and personality. In: Plutchik, R., & Conte, H. T., editors. *Circumplex models of personality and emotions*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Ponce de León, B., Andersen, S., Karstoft, K. I., & Elklit, A. (2018). Pre-deployment dissociation and personality as risk factors for post-deployment post-traumatic stress disorder in Danish soldiers deployed to Afghanistan. *European Journal of Psychotraumatology*. 9(1), 1443672.
- Puhalla, A. A., McCloskey, M. S., Brickman, L. J., Fauber, R., & Coccaro, E. F. (2016). Defense styles in intermittent explosive disorder. *Psychiatry Research*. 238, 137-142.
- Puryear, J. S. (2020). Personality: Big Five Personality Characteristics. In S. Pritzker & M. Runco (Eds.), *Encyclopedia of Creativity (Third Edition)* (pp. 316-321). Academic Press.
- Ridenour, J. M. (2016). Psychodynamic model and treatment of schizotypal personality disorder. *Psychoanalytic Psychology*. 33(1), 129-146.
- Rugens, A., & Terhune, D. B. (2013). Guilt by dissociation: guilt primes augment the relationship between dissociative tendencies and state dissociation. *Psychiatry Research*. 206(1), 114-116.
- Scalabrini, A., Mucci, C., Esposito, R., Damiani, S., & Northoff, G. (2020). Dissociation as a disorder of integration-On the footsteps of Pierre Janet. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*. 101, 109928.
- Serrano-Sevillano, Á., González-Ordi, H., Corbí-Gran, B., & Vallejo-Pareja, M. Á. (2017). Psychological characteristics of dissociation in general population. *Clínica y Salud*. 28(3), 101-106.
- Shi, J., Yao, Y., Zhan, C., Mao, Z., Yin, F., & Zhao, X. (2018). The relationship between big five personality traits and psychotic experience in a large non-clinical youth sample: The mediating role of emotion regulation. *Frontiers in Psychiatry*. 9, 648.
- Shin, G. I., Goldstein, L. H., & Pick, S. (2019). Evidence for subjective emotional numbing following induced acute dissociation. *Behaviour Research and Therapy*. 119, 103407.
- Soffer-Dudek, N. (2017). Daily elevations in dissociative absorption and depersonalization in a nonclinical sample are related to daily stress and psychopathological symptoms. *Psychiatry*. 80(3), 265-278.
- South, S. C., Jarnecke, A. M., & Vize, C. E. (2018). Sex differences in the big five model personality traits: A behavior genetics exploration. *Journal of Research in Personality*. 74, 158-165.
- Stanescu, C., & Morosanu, P. (2005). Neuroticism, ego defense mechanisms and valoric types: A correlative study. *Europe's Journal of Psychology*. 1(1).

- Tangney, J. P., Burggraf, S. A., Hamme, H., & Domingos, B. (1988). *The self-conscious affect and attribution inventory (SCAAI)*. Bryn Mawr: Bryn Mawr College.
- Trull, T. J., & Widiger, T. A. (2013). Dimensional models of personality: the five-factor model and the DSM-5. *Dialogues in Clinical Neuroscience*, 15(2), 135-146.
- Tschoeke, S., Steinert, T., & Bichescu-Burian, D. (2019). Causal connection between dissociation and ongoing interpersonal violence: A systematic review. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 107, 424-437.
- Turan, N., & Cohen, T. R. (2016). Shame and Guilt A2 - Friedman, Howard S. In *Encyclopedia of Mental Health* (2nd Ed.) (pp. 144-146). Oxford: Academic Press.
- Vaillant, G. E. (1994). Ego mechanisms of defense and personality psychopathology. *Journal of Abnormal Psychology*, 103(1), 44-50.
- Vaillant, G. E. (2012). Defense Mechanisms. In V. S. Ramachandran (Ed.), *Encyclopedia of Human Behavior* (2nd Ed.) (pp. 659-666). San Diego: Academic Press.
- Widiger, T. A., & Crego, C. (2019). HiTOP thought disorder, DSM-5 psychoticism, and five factor model openness. *Journal of Research in Personality*, 80, 72-77.
- Zeigler-Hill, V., Vrabel, J. K., Sauls, D., & Lehtman, M. J. (2019). Integrating motivation into current conceptualizations of personality. *Personality and Individual Differences*, 147, 1-7.